

در محضر استاد

ملا حسینقلی همدانی

سیره ملاحسینقلی همدانی همانند سیره سیدبن طاووس بود

118 سال پیش در 28 شعبان سال 1311 هجری قمری «ملاحسینقلی همدانی» مشهور به «آخوند همدانی» از بزرگ‌ترین استادان درس اخلاق در حوزه‌عراق، در کربلا دیده از جهان فروبست.

طی دو بیست سال گذشته در عرفان شیعی کمتر شخصیتی به عظمت و استواری عارف بزرگوار و فرزانه، آیت‌الله آخوند ملاحسینقلی همدانی رسیده است و عرصه معارف اسلامی چنین شخصیتی را میان استادان سیر و سلوک الی‌الله کمتر به خود دیده است.

شخصیت بزرگواری که عارفان پس از او تا کنون تحت تأثیر عمیق اندیشه‌های بلند و آسمانی آن جناب بوده و هستند و همه کسانی که پس از او آمده‌اند در عرفان اسلامی، خود را وامدار او دانسته‌اند. آیت‌الله جناب آخوند ملاحسینقلی همدانی درج‌زینی به سال 1239 قمری در روستای «شوند» از توابع همدان دیده به جهان گشود.

پدرش رمضان‌علی نام داشت و پیشه چوپانی برگزیده بود. وی علاقه فراوانی داشت که فرزندانش به تحصیل علم بپردازند و در زمره عالمان درآیند. به همین جهت حسینقلی را برای تحصیل به تهران فرستاد.

از خانواده ایشان اطلاعات فراوانی در دسترس نیست، اما این را می‌دانیم که خاندان مرحوم رمضان‌علی شوندی که پدر ایشان است از اعقاب جابرین عبدالله انصاری صحابی معروف رسول خدا(ص) بوده‌اند که قرن‌ها در این روستا زندگی می‌کردند و پیراهنی را که حضرت علی(ع) به جابرین عبدالله انصاری عطا کرده بودند از او به یادگار داشتند.

ایشان در مدرسه مروی تهران از حوزه درس فقیه مشهور شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ العراقین استفاده کرد و سپس رهسپار سبزوار شد و از محضر حکیم حاج ملا هادی سبزواری جرع‌های جان‌بخشی نوش کرد و از فیض دروس حکمت و اخلاق وی بهره‌مند شد.

پس از استفاده از محضر حاج ملا هادی سبزواری، بار خود را به سوی نجف اشرف بست و در پیشگاه امام همام مولی‌الموحیدین(ع) مشغول به تحصیل شد و به درس خاتم فقیهان شیخ مرتضی انصاری حاضر شد.

مدتی در خدمت ایشان بود و اگرچه شیخ انصاری صاحب نفس قدسی و حالات و مشاهدات و کرامات بود، اما خداوند برای او چنین رقم‌زده بود که به محضر صاحب کمالی، راه عهدت حق، امانده جنب، شد که به محض سد ششست، اه بافت.

شیخ و پیشوای من در علوم حقه، برایم

حکایت کرد که از طالبان آخرت احدی به

مقامی از مقامات دینی نرسید، مگر آنان‌که

اهل تهجد و شب زنده‌داری بودند

آیت‌الله سیدحسن صدر در تکمله «امل و الآمل» می‌نویسد: «سیره و روش او در قول و عمل و حتی در فتوی ندادن و قبول نکردن ریاست رعیه همانند سیره سید بن طاووس بود به گونه‌ای که حتی نماز جماعت را به صورت آشکار اقامه نمی‌کرد. ایشان فقه و اصول را از کتاب تقریرات بحث استادش شیخ انصاری که خود نوشته بود، تدریس می‌فرمود و همچنین نماز جماعت را در خانه‌اش با عده‌ای از خواصش برگزار می‌کرد؛ آنان‌که خود در تربیتشان کوشیده بود و از ظلمت‌های جهل به نور معرفت هدایتشان کرده و با ریاضت‌های شرعی و مجاهدت‌های عملی از هر آلودگی پاک کرده بود تا این‌که از بندگان صالح خدا شدند.»

مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی که از شاگردان برگزیده مرحوم آخوند بود می‌نویسد: «شیخ و پیشوای من در علوم حقه، برایم حکایت کرد که از طالبان آخرت احدی به مقامی از مقامات دینی نرسید، مگر آنان‌که اهل تهجد و شب زنده‌داری بودند.»

مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی پس از یک عمر مجاهده با نفس و تربیت تشنگان معارف، در 28 شعبان سال 1311 قمری در کربلا و در حالی که زائر حضرتش(ع) بود به دیار باقی شتافت و در چهارمین حجره صحن شریف (که مرحوم سید مرتضی کشمیری نیز مدفون است) به خاک سپرده شد.*

* منابع: «فرزانه قبیله عشق» تألیف «محمدجواد نورمحمدی»؛ پایگاه اطلاع‌رسانی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.